

سر در سینماها



کاسپکاران سینمایی

جنگل فجع تابلوها! حضور وسوسه انگیز زشتی های عریان در معبر عام... و در روزنامه های خبری!

هجوم مظاهر غربی، سوی آنچه در زندگی روزمره ما مستقیماً نفوذ شوم خود را بصورت پدیدمندی های مختلف عادات و اخلاق عوضی، تفنن های ناروا و مفسده انگیز تحمیل کرده است با خود بسیاری از کسب و کار ها را باهمراه آورده است که سوداگری غرب، آنرا مفری برای جیب پری خلاق در جامعه سرمایه داری ضروری می داند که نمونه برجسته آن تکیه بر «تبلیغات تجاری» - آنهم با انواع حیل و چادوگری و فوت و فن های فریبکارانه و عرصه گالاهای نامر-

غوب از این طریق است که بخشی از آن نیز شامل فیلمهای سینمایی میشود. درباره محتوی فیلمهایی که اکثر سینماهای تهران را تملک کرده اشغال کرده است در اینجا سخن گفته ایم و آموزش های انحرافی و توجیههای کذب که تصاویر سینمایی و معنای آورده آن به حیرت دارد، در مقالات بسیاری آمده است و اما در جواب این بد آموزی تصویری، اخیراً کاسپکاران سینمایی برای جلب مردمی که هنوز به این گونه فیلمها بی اعتنا مانده اند دست به بازی از آن عکس های پوسترهای

تبلیغاتی زده اند. آنهم به سخیف ترین صورت و عریان ترین شکلی که مدام حضور و سوسه انگیز خود را در معبر عام علنی می کنند! اگر در شهرهای اروپائی - و بندرت امریکا این پلاکات های وسوسه کننده (که مردوزنی مریان را در حالت سخواب یکی نشان میدهد) تنها احساس به محلات بدنام و یا سینماهای خاصی داشته باشد که از این نوع کسب کار سود می جویند، در شهرها مشهورترین سینماهای پایتخت انگار سر در روی صحنی خانه ها، در دیوار سینما و دیواره بیرون و بالای سر دیوودی خود را با این تصاویر عریان میپوشانند و اخیراً بطوری این بلبه گسترده شده است که حتی سینماهایی که تا چند پیش معتوانه باین کاردوی می آوردند (برای اینکه از قافله عقب نمانند) آنان نیز دست اندر کار این فریب آشکار و در نتیجه رواج زشتی های عریان شهر ما شده اند...

چیزی است عده ای از سلیقه ها را با بگونه عریانی ها پندیده، بنماید ولی بدبختانه آنها مردم را با این تصاویر عریان و زشت به تماشای فیلمهایی می خوانند و به سینما راغب می کنند که سراپا ترویج فساد و فحش و بچو و آلودگی های نوع غربی و انحرافهایی است که حاصل زندگی به بن بست رسیده آن سامان است. مهم اینجا است که در فریب، فقط از این سونیست که گاه این تصاویر و تنها یک دروغ آشکار است بمثابة در باغ سیزه که تنها جاذبه آن فراخواندن مشتری به سینماست در حالیکه فیلم خالی از این تصاویر میباشد و گاه، چیزی مانوس و چیزی از آن باقی نگذاشته است - گویانکه اخیراً در این بابت فیچن سانور

برعکس گذشته سخاوت بیشتری نشان میدهد و این نوع دیگر بهره برداری از تمایلات خاموش مردم جامعه ای است که تحت سواپلاخاس و سنت هایی که پذیرفته اند تا بحال در مقابل این وسوسه ها مصوبت داشته و از این گونه بلیات در امان بوده اند!

میزان نامعناهایی که سر دیور در این مورد برای تهیه مقاله ای در اختیار ارقام این مطبوعه گذاشته است نشان میدهد که در مقابل آنده ای که مشتاقانه و حریصانه تحت تاثیر این ذوق و برقعای دروغین قرار میگیرند و از آنها ادران سینماها این عریانی های زشت هستند و آنرا صحنه می گذارند، اکثریتی نیریه این نحو ارائه فیلمها از طریق جنگل فجع پوسترها بر سر در سینماها و همچنین فیلم های روی اکران سینماهای تهران معتز هستند. ایشان شاید هیچگاه به گیشه این سینماها مراجعه نکنند - تا نظیر عده ای که انگار از در قحطی درآمد آید به تماشای این فیلمهای پودنو گرافی و آلوده بشینند ولی بناچار هنگام عبور از خیابانهای تهران خواه ناخواه در مقابل این تابلوهای نقاشی و پلاکات های وسوسه - انگیز قرار می گیرند که نوع برداشت و سلیقه شان موجب میشود که از این صحنه ها ناراحت و منفر جرشوند. بدبختی اینجاست که فیلم سازان فارسی نیز به مصداق و تکیه بدست خاله کن مثل خالغری بیله کن، بدنبال این شیوه سودجویی به تقلید از این واعلان های سینمایی، بر سر در سینماها پر داخته و صحنه های سکسی و تصاویر عریان فیلم را در زمینه پلاکات ها ... در بساط خیابان پهن کرده و مناظر زشت و اشمع از آوری بوجود می آورند.

حقیقت این است همچنان که برای روانه این قیلمها شایطه‌ای نیست برای اعلانها و پوسترهای سینمایی نیز حدود و نفوذی تعیین نشده است و چنانکه اشاره رفت قیلمهای ایرانی و خارجی به سردر سینماها نمای روسپن خانه‌ها را داده و جایجا در خیابانهای اصلی شهرنشانی از مصلحت بدناسم و آلوده نشدن و پاریس، آمستردام و مونیخ را باده آورده‌ی شود.

گفتم این آب هرزه خود چیزی از هجو کسب و کار سودجویانه غربی است که سیمای زندگی خانوادگی روابط زناشویی خود و خورد و پویش و آرایش و پیرایش زندگی روزمره ما را بنحو مستهجنی خدشه دار کرده است و گویانکه مقاله‌ای بنیادی را برای درگیری با آن سرودی می‌سازد ولی فعلا اقدامی در جهت معانیت از این زشتی عربیان پر دردیوار خیابانهای تهران خود می‌تواند چرخی از کوششی باشد که بایستی بنحو گسترده‌ای دنبال شود. از فروردینی ۱۳۳۲ شماره ۱۱۳۳

مکتب اسلام: همانطور که در مقاله بالا مطالعه

فرمودید پلاکها و آگهی‌های شرم آور سینمایی موجب اعتراض همه گروهبانهای آگاه شده و نامه‌های بیشماری هم بدفتر مجله مان رسیده که ضمن اعتراض شدید به وضع فجیع آگهی‌های سینمایی در معابر عام (و حتی بر در مدارس دختران و پسران) از چاپ و نشر این قبیل عکسها و آگهی‌ها در روزنامه‌های خبری نیز بشدت انتقاد نموده و اظهار عقیده میکنند که ادامه این وضع موجب سی گرده که خانواده‌های اصیل و آگاه حتی از بردن روزنامه‌های خبری به منازل نیز خودداری ورزند. زیرا آنها نمی‌خواهند که زن و فرزند بی گناه خود را در معرض رسوسه‌های هوس انگیز سوداگران بی‌شمار سینمای فاسد قرار دهند...

امیدواریم که مقامات مسئول برای جلوگیری از ادامه این وضع اقدامات لازم را بعمل آورند و اجازه ندهند که مستی سوداگر فاسد و خائن با توأمیس مردم بازی کنند و با آلوده ساختن جوانان بی گناه، چنانکه ما را بر لبه پرتگاه سوق دهند، و این خواست مشروع همه طبقات اصیل و آحاد مردم ایران است.

عشق بهشت!

پیشه را کرم (س) فرمود:
 ان اللجنة لاعشق لسلطان من سلمان للجنة: و بهشت به سلمان عاشق است تا سلمان نسبت به بهشت... و همواره سعادت به دنبال مردم پایمان و درستکار می‌شاید و جوای آنهاست.

(از کتاب سفینه البحار)